

یادداشت روز

سیاست سینما / سینمای سیاسی

■ مسعود کارگر

هنر هفتم در جهان عمدتاً برای سرگرمی و در قالب صنعت، برای سرمایه‌سالاری بنا نهاده شد، هر چند بوده‌اند افرادی که در این قالب ساختار شکنی کرده و سعی در پیش بردن اصالت هنر در این فرم داشته‌اند و در این مسیر یا حذف شده و یا اگر هم دیده شده باشند، با محدودیت شدید از سوی متولیان سینما در طول سال‌ها مواجه شده‌اند.

حال تصور کنید، برخی علاوه بر توجه به اصالت هنر در سینما بخواهند حرف‌هایی بزنند که هزینه زیادی برای خودشان داشته و برای مالکان قدرت در سینما گران تمام شود. در این شرایط، بقا بشدت مشکل خواهد بود، چه برسد به اینکه طرف دیده یا سرکوب شود. در این فضا قطعاً اگر کسی از مفاهیم و اصالت صحبت کند و در فرم اورجینال یک ژانر اثر خود را هویدا کند، مسلماً با واکنش‌های تند و سختی روبه‌رو خواهد شد.

در این اتمسفر زیست عقیدتی و انتشار فکر یا سرکوب خواهد شد یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت دیده نخواهد شد و نخواهند گذاشت که به حساب بیاید. این ماجرا ربطی به دولت‌ها و سیاست‌های کشورها و عقید ملت‌ها هم ندارد، بلکه سلطه سرمایه‌سالاری در این بستر است که به همه جهان در این حوزه تکثیر و چیره شده است. در این جو سنگین و در هر بستر فرهنگی و سیاسی در جهان، اگر کسی بتواند جسارت زدن حرف‌های مهم را داشته باشد، اگر از عهده این فضای منفی بر بیاید، حتی فیلم او دیده نشود، جایزه نگیرد و مورد غضب هم قرار گیرد، موفقیتی که لازم بوده را کسب کرده و توسط آن‌هایی که باید دیده می‌شود.

زیر ژانر سیاسی که در ژانر اورجینال پرت‌ه‌بیوگرافی تعریف می‌شود، یکی از بسترهای پرچالش در سینما است، بستری که اگر قرار باشد بدون لکت در مورد وقایع تاریخی-سیاسی سخن گفته شود، تداوم حیات در آن سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود و عمده افرادی که جرأت ورود به این حوزه را داشته و اثری تولید نموده‌اند، یا پشیمان شده و پا پس کشیده‌اند و یا مجبور به محافظه‌کاری در بیان و لحن شده‌اند. این شرایط، حتماً آن‌هایی که دغدغه پرداخت به چنین گونه و ژانر دارند را با بحران مواجه خواهد کرد و پرداختن به سینمای مولف بر پایه تاریخ معاصر را به محاق خواهد برد.

در چندسال اخیر در سینمای ایران اما تحولات دیدگاهی رخ داده و به نسبت گذشته انعطاف بیشتری برای پرداختن به ژانر سیاسی صورت پذیرفته است، که همین باعث بهادادن و خلق آثار مهمی در تاریخ سینما شده، آثاری که باعث جریان‌سازی و کنشگری اجتماعی در بین طبقات مختلف شده است.

بها دادن به حوزه تاریخ معاصر در قالب سینما می‌تواند خیلی پرسش‌ها و گره‌های مبهم مفهومی را پاسخ دهد و باز نماید، اگر مدیران هنری، سرمایه‌گذاران و سازندگان ترس را در این وادی کنار گذاشته و حمایت لازم را داشته باشند، به مرور شاهد بروز و ظهور فیلمسازان حرفه‌ای و دغدغه‌مند این عرصه و استقبال مردمی از این حوزه خواهیم بود، که هر زمان در این عرصه، از واکنش مردم و یا ملاحظات خاصی نگران بوده‌ایم، به سینما و پرداخت ژانرها لطمه وارد شده است و هر وقت اعماد کردیم به ایده‌ها، آثار و مردم، اتفاقات خوبی برای سینما و هنر مفهومی افتاده است.

ژیلا شاهی بازیگر نقش «صفیه مدرس» در «موقعیت مهدی»:

باورپذیر بودن «صفیه» را مدیون هادی حجازی فر هستیم

■ حائیه جهانیان

«موقعیت مهدی» فیلم غافلگیرکننده فجر چلم به حساب می‌آید و توانسته نظر مخاطبان و منتقدان را جلب نماید. اتفاقی که نوید ظهور هادی حجازی‌فر به عنوان کارگردان موثر در سینمای ایران را می‌دهد. ژیلای شاهی پس از درخشش در «قصر شیرین» این بار در «موقعیت مهدی» به تهیه‌کنندگی حبيب‌الله والی‌نژاد در نقش «صفیه مدرس» همسر شهید باکری حضور دارد. او بازی در فیلم‌های «پرسه در حوالی من»، «خاکستر و برف» و «دلتنگی‌های عاشقانه» را نیز در کارنامه دارد. در ادامه گفت‌وگوی «صبا پلاس» را با این بازیگر می‌خوانید.



باعث می‌شود بازی در کار را بپذیرم. فیلمنامه‌هایی به من پیشنهاد شده‌اند که به این دلیل که نتوانستم با نقش ارتباط برقرار کنم بازی در آن اثر را رد کردم.

■ نقش شما در «موقعیت مهدی» پرژنیات، درونگراست، چالش‌های ایفای نقش همسر «شهید باکری» برای شما چه بود؟

اینکه شخصیتی پرژنیات را بازی کردم همگی برمی‌گردد به هادی حجازی‌فر. تسلط کارگردان، نقش به سزایی در خروجی مطلوب و موفق فیلم دارد. باورپذیر بودن و جزئیات نقش را مدیون او هستم. فضا و اتمسفری که هادی حجازی‌فر خلق می‌کند، بازیگر مقابل را به بازی صحیح وادار می‌کند.

■ «موقعیت مهدی» پس از «قصر شیرین» دومین حضور شما در نقش زنی آذری‌ست، از اینکه گویش و نقش‌های بومی برای شما تبدیل به کلیشه شود، نمی‌ترسید؟

بله. علاوه بر این دو اثر فیلم‌های دیگری به زبان ترکی بازی کرده‌ام، رشد و توسعه سینمای ترک زبان برای من بسیار مهم است، پس اگر بتوانم به این روند مثبت کمک کنم، دریغ نمی‌کنم و تلاش می‌کنم تا حضور پیدا کنم. احساس می‌کنم به تنوع نیاز دارم تا دچار تکرار و کلیشه نشوم؛ چرا که وقتی در یک تیپ و نقش برای مدتی طولانی بازی می‌کنید، ریسک‌پذیری شما برای پذیرفتن فیلمنامه و کاراکترهای تازه کمتر می‌شود.

■ نظر شما درباره نقش‌تان در «موقعیت مهدی» چیست؟

از خروجی کار راضی هستم، اگر چه در سریال ممکن است فقط چند سکانس بیشتر نسبت به فیلم بازی کرده باشم.

شخصیت حقیقی اثر نداشته باشند و سایر عوامل متوجه تأثیر نشوند.

در حقیقت وجود این فاصله و واسطه باعث شد تا ایفای نقش همسر شهید باکری برای من سختی و چالشی نداشته باشد. برای من تنها درک فضا و اتمسفر دهه شصت و شرایط جنگ کفایت می‌کرد.

■ یعنی شما از منابعی مانند کتاب یا خاطرات، برای قرابت و درک نقش استفاده نکرده‌اید؟

خیر، به نظر من کتاب در مرحله بعد قرار می‌گیرد. مادامی که شخص حقیقی در حیات است ضرورتی در رجوع به خاطرات و گذشته سوژه نیست، در نتیجه تصمیم گرفتم تنها به گفته‌های هادی حجازی‌فر اعتماد کنم.

■ اردبیلی بودن شما و ارومیه‌ای بودن شخصیت‌های «موقعیت مهدی»، اختلاف فرهنگی و یا تفاوت‌هایی به وجود می‌آورد؟ نمی‌توان گفت اختلاف فرهنگی، تنها تفاوت‌های جزئی در گویش و برخی واژگان بین اردبیل و ارومیه وجود دارد، اما تسلط هادی حجازی‌فر به گویش ارومیه‌ای به استفاده از واژه‌های جایگزین کمک زیادی کرد.

■ در جریان تولید سریال «عاشورا» عوامل تصمیم گرفتند به تولید فیلم «موقعیت مهدی» برسند که اکنون در فجر چهلم شاهد آن هستیم، اثری که با نظرات مثبت بسیاری همراه بوده است. معیار شما برای انتخاب نقش چه بوده است؟ همیشه در مرحله اول با خواندن فیلمنامه، تکلیفم با قصه مشخص است. جزئیاتی وجود دارد که اگر توجه‌ام را جلب کند

■ همسر شهید باکری همچنان در قید حیات‌اند، این موضوع کار را برای شما سخت نکرد؟

وقتی کاراکتر، یک ما به ازای درونی دارد، بازی کاملاً دقیق و منطقی بر آن شاید سخت باشد، اما رویکرد کارگردان از اجرای این کاراکتر متفاوت بوده است. فکر می‌کنم بسیار هوشمندانه

حجازی‌فر واسطه ما و همسر شهید بودند، برای اینکه بتوانیم در جریان خاطرات و فراز و نشیب زندگی مشترک‌شان باشیم. حضور کارگردان به عنوان واسطه باعث شد بازیگران ارتباط مستقیمی با

